



بررسی دیدگاه شیخ قطیفی(ره) و محقق کرکی(ره) در خصوص دریافت خراج از زمین مفتوح عنوه و انفال و مقایسه آن با دیدگاههای امام خمینی (ره)

مأنده مدرسی عاصم

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام(ره)

Modaresi.bme@gmail.com

دکتر سیده فاطمه حسینی میرصفی

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام(ره)

دکتر فاطمه خلیلی

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام(ره)

چکیده

شیخ فاضل قطیفی(ره) رساله خراجیه السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعه اللجاج را در خصوص حرمت خراج و در پاسخ به رساله قاطعه اللجاج شیخ علی کرکی، نگاشته است. شیخ علی کرکی یا محقق کرکی، استاد شیخ قطیفی، از برجسته ترین فقها و عالمان بزرگ شیعی در دوره صفویه در قرن دهم هجری است. این دو فقیه گرانقدر در ابواب فقهی بسیاری بخصوص مسئله خراج، مناظرات و اختلاف نظرات بسیاری داشته اند. امام خمینی(ره) نیز که از فقهای عصر حاضر است، در مسئله خراج دیدگاه موافق با نظرات محقق کرکی داشته در بسیاری از موارد با ایشان هم عقیده است. در نگاه کلی به مسئله خراج (مالیات سرانه از زمینهای فتح شده) محقق کرکی و امام خمینی (ره) زمینهای مفتوح عنوه یعنی زمینهایی که با زور و شمشیر و جنگ بدست آمده را در زمان غیبت امام علیه السلام، ملک تمام مسلمین دانسته و معتقد به گرفتن خراج از زمینهای مفتوح عنوه بصورت مقاسمه از شیعیان می باشند، در حالیکه شیخ قطیفی زمینهای مفتوح موات را متعلق به امام علیه السلام و زمینهای معمور و آباد را متعلق به مسلمین دانسته و قائل به سقوط خراج از شیعیان می باشد. در خرید و اخذ خراج از کارگزار ظالم نیز محقق کرکی با تکیه بر اخبار وارده آن را جایز دانسته که شیخ قطیفی دلالت حدیث را بر جواز خرید از ظالم جایز نمی داند و معتقد است این حدیث هیچ دلالتی بر حلیت خراج و حلیت دریافت آن از ظالم ندارد. از دیدگاه امام خمینی(ره) نیز گرفتن خراج از کارگزار ظالم فقط با عقد ذمه صحیح می باشد.

کلیدواژگان: خراج- زمین مفتوح- انفال- شیخ قطیفی(ره) - محقق کرکی(ره) - امام خمینی(ره)

۱- مقدمه

در مکتب انسان ساز اسلام و در شریعت آسمانی و ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) پس از عصر پیامبر عظیم الشان و امامت ائمه (علیهم السلام)، خصوصاً در زمان غیبت امام عصر (عج) همواره عالمان دینی و فقیهان خاصه درصدد بیان و روشن ساختن احکام و تعالیم و قوانین الهی مبتنی بر شرع انور به جامعه هم عصر خویش بوده‌اند. دیدگاه‌های عالمان دین و فقهای شیعی در طی قرون متمادی با اشتراکات و اختلافات متعددی همراه بوده است که گاه در این بین، گرایش‌های سیاسی و اجتماعی نیز دیده می‌شود. از آن جمله می‌توان از شیخ فاضل قطفی(ره) که از شاگردان محقق کرکی(ره) و هم عصر او بوده و محقق کرکی (محقق ثانی) استاد وی که یکی از برجسته‌ترین فقها و عالمان بزرگ شیعی در دوره صفویه و سلطنت شاه طهماسب در قرن دهم هجری است، نام برد که با بررسی و مطالعه در رساله‌های فقهی ایشان به روشنی به وجوه افتراق و اشتراکات فقهی آن دو بزرگوار می‌توان پی برد. از بین فقهای متأخر نیز امام خمینی(ره) اولین فقیهی است که نظامی جدید بر پایه اندیشه سیاسی دینی خود بنیان نهاد و حکومت اسلامی را جایگزین نظام سلطنتی سلاطین جور نمود می‌توان نام برد. شیخ فاضل قطفی(ره) و شیخ علی کرکی (محقق کرکی) مناظرات و مباحثات فراوانی با یکدیگر داشته‌اند و تعارضاتی بین اقوال و نظریات ایشان دیده می‌شود. از این روشی فقهی(ره) رساله خراجیه السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعه اللجاج را در خصوص حرمت خراج و در پاسخ به رساله قاطعه اللجاج شیخ علی کرکی که در خصوص حلیت خراج تألیف کرده، تصنیف کرده است. شیخ فاضل قطفی(ره) در رساله خود به عیان ساختن خلل و لغزش‌های قاطعه اللجاج اشاره کرده و مسئله حرمت خراج را با تأکید بر نظریات عقلی و برهانی خویش و با تأکید بر بعضی روایات و آیات و استنباط فقهی خویش به اثبات رسانده است. شیخ فاضل قطفی(ره) در رساله خراجیه السراج الوهاج با چشم پوشی و نادیده گرفتن حرمت و احترام استاد خویش رساله خراجیه شیخ کرکی را به مثابه العجاج کثیره الاعوجاج یعنی دارای کجی و ناراستی‌های فراوان تعبیر نموده است، و آن را سست تر از تار عنکبوت معرفی کرده است. علاوه بر این بدلیل پرداختن و مورد توجه واقع شدن مسئله خراج در قالب بحث‌هایی چون زکات و انفال در بین بسیاری از فقهای متأخر و متقدم، اهمیت این موضوع در جایگاه فقهی و اقتصادی آن بیشتر عیان می‌گردد که با بررسی در فقه شیعی و آثار بزرگان و عالمان بلند آوازه فقه اثنی عشری، مسئله خراج و جایز شمردن و حلیت اخذ آن از سلاطین اهمیت این موضوع در رساله‌های خراجیه این بزرگان را کاملاً مشهود می‌سازد، از آنجا که خراج از منابع اساسی اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود و موجب رفاه زندگی عمومی مسلمین و تأمین معاش و مصالح آنهاست که پس از جمع‌آوری، طبق تشخیص و دستور حاکم واقعی اسلام در راه مصالح عمومی و امنیت و دفاع از مرزها صرف می‌گردد که در نهایت موجب تقویت و رشد جامعه اسلامی از نظر اقتصاد و سیاست و حکومت داری است از این رو می‌بایست این موضوع را بیشتر مورد بررسی قرار داد، چراکه در بین فقهای عظام شیعه علاوه بر شیخ محقق کرکی(ره) و شیخ فاضل قطفی(ره)، می‌توان از مقدس اردبیلی، شیبانی، مولف تهذیب الاحکام شیخ محمد طوسی رضوان الله علیه، علامه حلی(ره)، شهید ثانی(ره) و دیگر فقهای بزرگ شیعی نام برد که رساله‌ای تحت عنوان و در خصوص حرمت یا حلیت خراج نگاشته‌اند، علاوه بر این مطلب از بین فقهای عصر حاضر نیز امام خمینی(ره) در تحریر الوسیله خویش با تأکید به مسئله خراج به اهمیت آن در ذیل مسائلی چون خمس، زکات و انفال اشاره‌های فراوان دارد، که در این خصوص، نظر محقق کرکی(ره) در باب مسئله خراج از زمین مفتوح عنوه و انفال، بطور معمول، مورد قبول فقهای متأخر و متقدم علی‌الخصوص امام خمینی(ره) می‌باشد. با بررسی در رساله خراجیه السراج الوهاج شیخ قطفی و قاطعه اللجاج محقق کرکی تفاوتی بنیادین از مسئله خراج در مواردی چون زمینهای مفتوحه و انفال و غیره، در ابواب مختلف فقهی دیده می‌شود. لکن در بررسیهای انجام شده مقایسه‌ای در خصوص مسئله خراج از زمینهای مفتوحه و انفال از شیخ قطفی و محقق کرکی با دیدگاه‌های امام خمینی(ره) بعمل نیامده است. بنابراین در خصوص زمینهای مفتوح عنوه شیخ محقق کرکی(ره) با تکیه بر احادیثی از اهل بیت علیهم السلام، دریافت و اخذ خراج از سلاطین ستمگر را جایز شمرده و تصرف زمینهای مفتوح را برای عموم



مسلمانان و دریافت خراج و مقاسمه را از سلاطین ستمگر برای مصالح مسلمان جایز می‌داند و معتقد است اذن اخذ خراج از زمینهای مفتوح عنوه توسط ائمه علیهم السلام در زمان غیبت امام علیه السلام به مسلمانان داده شده است و آن زمینها را متعلق به همه مسلمانان می‌داند، در صورتی که شیخ فاضل قطفی(ره) زمینهای مفتوح را فقط حق ائمه علیهم السلام می‌داند، مانند انفال و تصرف آن را فقط در زمان و با اجازه امام علیه السلام جایز می‌شمرد، که اگر بی اذن امام تصرف صورت گیرد خراج بر مسلمانان واجب می‌گردد. در مقابل این دو قول امام خمینی(ره) قبول و تصرف زمینهای خراجی را برای همه جایز دانسته و حکم خراج را هم برای حاکم غیرشیعه و هم حاکم شیعه و سلاطینی که ادعای ولایت و خلافت بر مسلمین را ندارند مباح شمرده است و دریافت خراج را از این زمینها بر کسانی که بر جمع آوری مالیات مستولی هستند مباح می‌داند و زمینهای موات از مفتوح را از انفال برشمرده که برای هر کسی که آن را احیا کند و به عمران آن اقدام نماید قبول آن جایز است و احیا کننده بنابر اقوی مالک آن می‌شود، چه در دار اسلام باشد چه دار کفر، مانند زمین عراق و مانند آن که مفتوح است. با این بیان در این مقاله برآنیم که به وجوه اختلافات و اشتراکات دیدگاههای علمای عظام و فقهایی چون فاضل قطفی(ره) محقق کرکی(ره) و امام خمینی(ره) در خصوص اخذ خراج از زمین مفتوح عنوه و انفال، پرداخته و نظرات موافق و مخالف محقق کرکی و امام خمینی(ره) را با دیدگاه شیخ قطفی(ره) مورد بررسی و مقایسه قرار دهیم.

۲- معرفی شیخ فاضل قطفی(ره) و محقق کرکی(ره) از دیدگاه فقها

اولین فردی که از شیخ قطفی یاد نموده شیخ حر عاملی است که در بخش دوم از کتاب خود "أمل الآمل" نام او را ذکر کرده و در توضیح آن به بیان این مطلب بسنده نموده است، ابراهیم بن سلیمان قطفی فاضل، عالم و محدث است که جزء متأخرین بوده و در نجف اشرف وفات یافت. ^۱ سپس صاحب "حداائق" در "کشکول" به نقل از نامه یکی از شاگردان فاضل (علامه) مجلسی یعنی مؤلف "ریاض العلماء" نام او را آورده و می‌گوید: شیخ ابراهیم بن سلیمان قطفی غروی حلی، امامی فقیه و فاضل، عالمی کامل، محقق دقیق و هم عصر شیخ علی کرکی است. وی در نجف اشرف سکونت داشت. ^۲ تالیفات شیخ قطفی را بالغ بر بیست اثر برشمرده اند که مهمترین آنها عبارت است:

۱. ادعیه وسعت رزق (سعة الرزق) ۲. چهل حدیث (الأربعون حدیثا) ۳. تحقیق الفرقه الناجیه ۴. تعلیقاتی بر الشرائع ۵. الثمانیه عشر حدیثا ۶. رساله حائریه ۷. رساله رضاعیه: شیخ قطفی آن را در خصوص عموم قاعده تنزیل و در پاسخ به محقق کرکی تألیف کرده است ۸. رساله‌ای در حرمت مطلق نماز جمعه در زمان غیبت، در رد نظریه محقق کرکی(ره) مبنی بر وجوب آن در صورت وجود مجتهد جامع شرایط فتوا ۹. رساله‌ای در حرمت سجده بر خاک حرارت دیده ^۳ ۱۰. السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعه اللجاج که در رد نظریه محقق کرکی درحلیت و دریافت خراج از سلاطین می‌باشد...

همچنین مؤلف "ریاض العلماء" در مورد محقق کرکی نیز چنین گفته است: شیخ علی کرکی در زمان حکومت شاه اسماعیل وارد سرزمین ایران شد ^۴ و در نزد شاه طهماسب بی نهایت گرامی داشته می‌شد و وظایف، سیورغالها و اداراتی در بلاد عراق را به او واگذار کرد و او را به عنوان حاکم امور شرعی سراسر ایران منصوب کرد و در این زمینه حکم و نامه‌ای به وی داد که غایت

^۳- أمل الآمل ۲: ۸. کشکول شیخ یوسف بحرانی ۱: ۲۸۹ به نقل از ریاض العلماء تألیف مولا عبدالله اصفهانی.

^۴- کشکول شیخ یوسف بحرانی ۱: ۲۸۹ به نقل از ریاض العلماء تألیف مولا عبدالله اصفهانی.

^۵- ذریعه ۱۲: ۱۴۸. رجوع شود به: زیرنویس کتاب السرائر الحاوی تألیف ابن ادریس چاپ جامعه مدرسین ۱: ۳۳

^۶- ریاض العلماء ۳: ۴۴۱



مراعات ادب توسط سلطان در آن نامه تعجب‌انگیز است و گویی بخشش این خراجیات از سوی شاه صفوی به شیخ علی همان امری است که فتنه برانگیخت. لذا شیخ در رد آنها "قاطعۀ اللجاج فی تحقیق حل الخراج" را در ربیع الثانی سال ۹۱۶ در عراق نگاشت و شیخ قطیفی با کتاب "السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعۀ اللجاج" به آن پاسخ گفت.^۱

۳- تحقق معنی خراج از دیدگاه شیخ قطیفی(ره)، محقق کرکی(ره) و امام خمینی(ره)

در معنی و تحقق یافتن خراج شیخ قطیفی دیدگاه محقق کرکی را در رساله السراج الوهاج اینگونه بیان کرده است: خراج چیزی است که بر زمین تعیین می‌شود مانند اجرت، و مقاسمه نیز در همین معناست با این تفاوت که مقاسمه بخشی از محصول زراعت و خراج مقداری از پول نقد است.^۲ شیخ قطیفی در جواب وی می‌گوید: ظاهر کلام کرکی این است که بخشی از محصول زراعت خراج نامیده نمی‌شود که این سخن باطل است، چراکه تسمیه آن به خراج امری شایع و رایج است و علاوه بر فتاوی در اخبار نیز موجود است و خود مؤلف نیز اندکی پس از این مطلب، در حدیثی روایت شده از ابوالحسن اول آن را ذکر کرده آنجا که ایشان فرمود: زمینی که عنوه به وسیله سواران یا پیاده گان گرفته شود در دست کسی که آبادش کند و بنا بر صلی که والی به میزان توان آنها از خراج یعنی نصف یا ثلث یا دو ثلث و ... با آنها مصالحه می‌کند، احیایش نماید، موقوف و باقی می‌ماند.^۳ همانطور که محقق کرکی(ره) مقاسمه را بخشی از محصول زراعت و خراج را پول نقد بر می‌شمرد، امام خمینی(ره) نیز خراج را بصورت نقد و مقاسمه را سهمی از محصول معرفی کرده است.

۴- تقسیم، قبول و تصرف زمینهای مفتوح عنوه و انفال

در رساله خراجیه السراج الوهاج، شیخ قطیفی در بیان قبول و دریافت خراج از زمینهای مفتوح عنوه مطلبی را از محقق کرکی نقل می‌کند، او (کرکی) می‌گوید: با تکیه بر مطالب ثبت شده از طریق اهل بیت علیهم السلام، در این خصوص که زمین اهالی عراق و زمین‌های امثال آن که به قدرت شمشیر فتح شده است، مالک مخصوصی صاحبش نمی‌شود، بلکه متعلق به همه‌ی مسلمانان است و خراج یا مقاسمه از آن گرفته می‌شود و در مصارف آن صرف می‌شود^۴ و نفوذ تصرفاتی که ذکر کردیم فقط در زمان غیبت امام علیه السلام است اما در زمان ظهور ایشان خیر، زیرا تصرف در آن مطلقاً فقط با اذن ایشان جایز است و بر این اساس هیچ یک از تصرفات متصرف در آن، به صورت مستقل نافذ نیست.^۵ شیخ فاضل قطیفی(ره) در جواب وی آورده است: در زمان غیبت امام علیه السلام ائمه علیهم السلام به شیعیان خود اذن دریافت آن را از سلاطین ستمگر را داده‌اند.^۶ سپس ادامه می‌دهد، من می‌گویم: آنچه که ائمه علیهم السلام به شیعیان خود در زمان غیبت اذن داده‌اند، زنان است و در وجه قوی که شاهدی از منقولات دارد مساکن و متأجر است و در مورد زمین، مختص حق ائمه علیهم السلام است مانند انفال، اما زمینی که به زور فتح شده متعلق به همه مسلمانان است. لذا تصرف آنها در این اراضی با وجود غیبت امام جایز است، احادیثی که برخی از اصحاب مانند

۷- ریاض العلماء ۳: ۴۴۱.

۸- ر.ک: خراجیه‌ی محقق کرکی ص ۷۰.

۹- تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۰، باب ۳۷ در خصوص تقسیم غنایم، حدیث: ۳۶۶/۲.

۱۰- ر.ک: خراجیه‌ی محقق کرکی، ص ۳۸-۳۷. و السراج الوهاج شیخ قطیفی

۱۱- ر.ک: خراجیه‌ی محقق کرکی ص ۵۴-۵۳ و السراج الوهاج شیخ قطیفی

۱۲- ر.ک: خراجیه‌ی محقق کرکی، ص ۳۸-۳۷.



شیخ در تهذیب^۱ و سایرین به آن اشاره کرده‌اند بر آن دلالت دارد و امر روشن، بنا به ظاهر اخبار، سقوط خراج از شیعیان در زمان غیبت است. مقصود محقق کرکی از تصرفات مورد اشاره‌اش بنا، غرس و امثال آن است و هیچ شبهه‌ای در این نیست که نفوذ آن بر این معنا که مثلاً فروش در آن صحیح باشد به ظهور و غیبت امام مربوط نیست زیرا علت نفوذ این است که آثار مذکور، مملوک متصرف باشد و این آثار، عینی است که جز با سبب شرعی از مالکیت او خارج نمی‌شود، و در این مورد بین غیبت و ظهور امام تفاوتی وجود ندارد. امام خمینی(ره) نیز در قبول و فروختن زمینهای خراجی معتقد است: برای هر کسی جایز است که زمینهای خراجی را قبول کند، و آن را برای حکومت، در برابر مبلغی ضامن شود، و خودش با زراعت یا درخت کاری یا غیر آن، از آن استفاده ببرد، یا آن را به دیگری بقبولاند و او را ضامن (مبلغی که تعهد کرده) نماید ولو با مقداری زیادی، ولی در این صورت کراهت دارد، مگر آنکه چیزی در آن احداث کند مانند کندن نهر، و یا در آن کاری کند که مستأجر را کمک کند، بلکه قبولاندن آن با زیاده احتیاطاً ترک شود مگر در مورد مذکور و علاوه بر این فروختن زمین «مفتوحهٔ عنوه» را جایز نمی‌شمارد و معتقد است زمین مفتوح عنوه آن زمینی است که از دست کفار با غلبه نمودن بر آنها گرفته شده است، که در وقت فتح (مسلمین) آباد بوده است جایز نیست. زیرا این زمین ملک تمام مسلمین است. پس بر حال خود در دست کسی که آن را آباد می‌کند باقی می‌ماند، و خراج آن گرفته می‌شود و در مصالح مسلمین به مصرف می‌رسد.

بنابراین طبق گفته محقق کرکی از زمینهای مفتوح عنوه، در زمان غیبت امام علیه السلام و با اذن ایشان به شیعیان، خراج مقاسمه از آن گرفته می‌شود. اما شیخ قطیفی نسبت به زمینهای مفتوح عنوه بنا بر احادیث وارده و ظاهر اخبار قائل به سقوط خراج از شیعیان در زمان غیبت امام علیه السلام می‌باشد و طبق نظر امام خمینی (ره) قبول زمینهای خراجی برای همگان جایز بوده و فروختن زمینهای خراجی و مفتوح عنوه را جایز ندانسته و آن را ملک تمام مسلمین برشمرده است که خراج از آن گرفته می‌شود، بنابراین در این خصوص نظری مطابق با محقق کرکی دارد.

۵- تقسیم اراضی خراجی و انفال از دیدگاه شیخ قطیفی(ره) محقق کرکی(ره) و امام خمینی(ره)

۵-۱ دیدگاه شیخ قطیفی(ره)

شیخ قطیفی در خصوص اخذ خراج از اراضی موات و معمور می‌گوید: هیچ شک و خفایی نیست که در اراضی مفتوح عنوه، اراضی موات متعلق به امام و اراضی معمور متعلق به مسلمانان است و آنچه که معلوم است در زمان فتح، معمور بوده متعلق به مسلمانان است، آنچه که معلوم است در آن زمان موات بوده به امام تعلق دارد و آنچه که معلوم و معین نیست، محتمل است و معمور بودنش در زمان حاضر واضح‌ترین دلیل بر معمور بودن آن در زمان فتح است و اصل، عدم معمور بودن است مگر اینکه اثبات شود پس در حال حاضر تسلط بر اخذ خراج از زمینی جایز نیست، مگر زمانی که معلوم شود این زمین در زمان فتح، معمور بوده است. امام خمینی(ره) فروختن زمین مفتوح آباد را جایز نمی‌داند، اما مالکیت بر زمینی که در زمان فتح موات بوده و سپس آباد شده را به وجه صحیحی جایز شمرده است. ایشان در توضیح این مطلب به زمان غیبت یا ظهور امام علیه السلام اشاره ای نفرموده‌اند.

۵-۲ دیدگاه محقق کرکی(ره)

محقق کرکی زمینی که جزء انفال محسوب می‌شود را به محیات و موات تقسیم کرده و معتقد است بنا بر هر دو تقدیر کسی که آن را در دست دارد یا شیعه است یا غیرشیعه، و هر آنچه که از این اراضی در دست شیعه باشد با وجود اختصاص هر یک از

^{۱۲} - تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۶، باب ۳۹ در خصوص زیادات و مابعد آن اخبار دال بر مورد استشهاد را ذکر می‌کند.



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

زمین‌های محیات و موات به حکم خود، بر آنها حلال است. زیرا ائمه علیهم السلام آن را در زمان غیبت برای شیعیان خود حلال کردند اما برای غیرشیعه حرام است و بر این دیدگاه در قاطعه اللجاج بر روایات استناد نموده است: حسن بن محبوب از هشام بن سالم از ابو خالد کابلی از ابو جعفر علیه السلام روایت کرد که ایشان فرمود: در نامه‌ی علی علیه السلام یافتیم: *إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ* (زمین از آن خداست آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است) من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند زمین را به ما به ارث می‌دهد و ماییم پرهیزگاران و تمام زمین از آن ماست. پس هر یک از مسلمانان زمینی را احیا کند، باید آبادش سازد و مالیات آن را به امامی از اهل بیت من بپردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند و بخورد، حق اوست و اگر زمین را رها سازد یا خرابش کند و بعد از او، مرد دیگری از مسلمانان آن را بگیرد و آباد و احیایش کند، او نسبت به آن زمین از کسی که آن را رها کرده سزاوارتر است و باید مالیاتش را به امامی از خاندان من بپردازد و هر چه از آن زمین استفاده کند حق اوست، تا زمانی که قائم از خاندان من، با شمشیر ظهور کند. در این زمان، او آن اراضی را تصرف کند و جلو آنها را بگیرد و تصرف کنندگانشان را از آنها اخراج کند - همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمین‌ها را تصرف کرد و آنها را حفظ کرد - مگر زمین‌هایی که در دست شیعیان ما باشد که حضرت قائم نسبت به آن اراضی با آنان مقاطعه می‌بندد و زمین را در دست ایشان باقی می‌گذارد.^{۱۴}

شیخ قطیفی در این روایت و روایاتی که محقق کرکی و دیگر اصحاب بر آن استناد نموده اند نظری موافق داشته، افزون بر آن که احیای موات در زمان غیبت برای شیعه و غیرشیعه جایز است و از اصحاب نیز روایاتی را در تأیید این مطلب نقل می‌کند و می‌گوید: اخبار کافی وجود دارد و دلالت کلام اصحاب نیز غیرقابل شمارش است، از جمله آنچه که علامه در المنتهی با این عبارت ذکر کرده است: زمین‌هایی که در زمان فتح موات بود فقط متعلق به امام علیه السلام بود و در صورتی که امام ظهور داشت احیای این زمین فقط با اذن او جایز است و اگر متصرفی بدون اذن امام در آن تصرف کند، طسق زمین بر او واجب است. در زمان غیبت امام، فرد احیاکننده بدون اذن مالک آن زمین می‌شود. او کلامش را ادامه داده و می‌گوید: و روایت شیخ در الصحیح از عمر بن یزید بر این نکته دلالت دارد که احیاکننده‌ی زمین موات در زمان غیبت امام علیه السلام به سبب احیا مالک زمین می‌شود، عمر بن یزید در این روایت گوید: شنیدم که مردی اهل جبل از ابو عبدالله علیه السلام درباره‌ی مردی سؤال کرد که زمین مواتی را که صاحبش ترکش کرده گرفته و آبادش کرده و نهرش را حفر کرده و در آن خانه‌هایی ساخته و نخل و درخت کاشته است، ابو عبدالله علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمود: کسی که زمینی متعلق به مؤمنان را احیا کند زمین از آن اوست و طسق آن زمین بر او واجب است که در زمان صلح آن را به امام پرداخت می‌کند و زمانی که قائم قیام کند باید خود را آماده کند که زمین از او گرفته شود.^{۱۵} شیخ قطیفی در باب تقسیم اراضی انفال مطلبی را از تحریر الاحکام بیان کرده است و می‌گوید: علامه در تحریر آورده که اگر امام غایب باشد احیاکننده تا زمانی که به آبادانی آن می‌پردازد نسبت به آن محق تر است و اگر ترکش کند و آثارش از بین برود و فرد دیگری آن را احیا کند فرد دوم محق تر است، و زمانی که امام ظهور کند می‌تواند دست او را از این زمین کوتاه کند^{۱۶} و همچنین علامه در الارشاد به این مطلب اشاره نموده که: احیای موات با اذن امام و بدون اذن او در زمان غیبت جایز است و کافر مالک آن نمی‌شود.^{۱۷} در القواعد نیز می‌گوید: هر زمینی که مالکیت مسلمان بر آن جاری نشده متعلق به امام است، و آنچه که مالکیت مسلمان بر آن جاری شده متعلق به او و پس از آن متعلق به ورثه‌ی

^{۱۴} تهذیب الاحکام: ج ۷، ص ۱۵۲، حدیث: ۶۷۴/۲۳، باب ۱۱ در احکام اراضی.

^{۱۵} تهذیب الاحکام: ج ۴، ص ۱۴۵، حدیث: ۴۰۴/۲۶، باب ۳۹ در خصوص زیادات.

^{۱۶} منتهی المطلب، ج ۲، ص ۹۳۶، کتاب جهاد، بحث سوم در احکام اراضی، چاپ سنگی.

^{۱۷} تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۳۰، کتاب احیای موات بیان اقسام الارضین الرابع، چاپ سنگی.

^{۱۸} ارشاد الاذهان، ج ۱، کتاب جهاد، مطلب سوم، سیاقه ص ۳۴۸.



اوست و اگر مالک معینی نداشته باشد متعلق به امام است و احیای آن فقط با اذن ایشان جایز است و اگر بدون اذن ایشان اقدام کند و احیایش نماید مالکش نمی‌شود، و در صورتی که امام غایب باشد مادامی که به آبادانی آن می‌پردازد نسبت به آن محق‌تر است و اگر زمین را ترک کند و آثارش از زمین برود و فرد دیگری آن را احیا کند، فرد دوم محق‌تر است و امام می‌تواند پس از ظهور آن را بگیرد.^۱

شیخ قطیفی (ره) قائل به این مطلب شده که معنای مشترک در این سخنان این است که احیای زمین موات در زمان غیبت، برای سایر مسلمانان جایز و مقتضی ثبوت ید (تصرف)، و محق بودن احیاکننده به آن است و اگر متصرفی بدون اذن امام در آن تصرف کند طسق زمین بر او واجب است و هیچ شک و شبهه و ابهامی در این امر نیست، و در این خصوص همین حد از مطالب کافی و قانع‌کننده است.

۵-۳ دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) زمین موات از انفال را به عارضی و بالاصاله تقسیم کرده و می‌فرماید زمین موات بالاصاله اگر چه مال امام (علیه السلام) است، لیکن در زمان غیبت حضرت صاحب الامر (علیه السلام) برای هر کس جایز است که با شروطی آن را احیا کرده و در عمران آن اقدام نماید و احیاکننده آن بنا بر اقوی مالک آن می‌شود، چه در دارالاسلام و چه در دارالکفر باشد و چه در زمین خراج باشد، مانند زمین عراق یا در غیر آن، و چه احیاکننده آن مسلمان باشد یا کافر. با این بیان، امام خمینی (ره) در تعلق داشتن زمین موات بر همه مسلمانان در زمان غیبت دیدگاهی موافق با شیخ قطیفی (ره) داشته، افزون بر آنکه ایشان احیاء زمین موات توسط کافر را نیز جایز شمرده‌اند.

۶- دیدگاه شیخ قطیفی در باب حلیت خراج و دریافت آن از کارگزار ظالم

شیخ قطیفی در باب حلیت خراج و دریافت آن از کارگزار ظالم سخنی را از محقق کرکی نقل می‌کند و می‌گوید: از جمله این اخبار وارده، روایتی است از اسحاق بن عمار که گوید: از او درباره‌ی مردی سؤال کردم که از کارگزاری ظالم خرید می‌کرد، ایشان فرمود: تا زمانی که نداند او به کسی ظلم کرده است از او خریداری می‌کند^۲ در این معنا احادیث بسیاری وجود دارد.^۳

شیخ قطیفی در پاسخ به محقق کرکی می‌گوید: بر خواننده روشن است که این حدیث هیچ دلالتی بر حلیت خراج و حلیت دریافت آن از ظالم ندارد، زیرا فقط بر جواز خرید از کارگزار ظالم تا زمانی که ندانسته او به کسی ظلم کرده، دلالت دارد، پس اخذ آن اگر ظالم باشد جایز نیست، در غیر این صورت جایز است، پس دلالت این روایت کجاست علاوه بر آن، این حدیث مرسل و اسحاق بن عمار ضعیف است. از دیدگاه امام خمینی (ره) گرفتن خراج از ظالم فقط با عقد ذمه از امام (علیه السلام) جایز است و در غیبت او از نائب او - در صورتی که مبسوط الید باشد- می‌باشد، و در این حال اگر ظالم عقد نماید، برای ما است که آثار صحت را بر آن مترتب نموده و جزیه از او بگیریم، مانند گرفتن جوائز و خراجها، و به عقد با ظالم، از حربی بودن خراج می‌شوند.

^{۱۹}- قواعد الاحکام ج ۱، کتاب احیای موات ص ۲۲۰، السبب الاول فی الاختصاص، چاپ سنگی.

^{۲۰}- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۷۵، حدیث: ۱۰۹۳/۲۱۴ باب ۹۳ فی المکاسب، "اخبار الشراء من الظالم".

^{۲۱}- ر.ک: خراجیهی محقق کرکی ص ۷۸.



۷- نتیجه گیری

طبق دیدگاه محقق کرکی، از زمینهای مفتوح عنوه، مانند انفال و غیره، در زمان غیبت امام علیه السلام و با اذن ایشان به شیعیان، خراج مقاسمه گرفته می شود. اما شیخ قطیفی نسبت به زمینهای مفتوح عنوه بنا بر احادیث وارده و ظاهر اخبار قائل به سقوط خراج از شیعیان در زمان غیبت امام علیه السلام می باشد و طبق نظر امام خمینی(ره) قبول زمینهای خراجی برای همگان جایز بوده و فروختن زمینهای خراجی و مفتوح عنوه را جایز ندانسته و آن را ملک تمام مسلمین برشمرده است که خراج از آن گرفته می شود. بنابراین در این خصوص نظری مطابق با محقق کرکی دارد. شیخ قطیفی در خصوص اخذ خراج از اراضی موات و معمور معتقد است اراضی موات متعلق به امام و اراضی معمور متعلق به مسلمانان است و آنچه که معلوم است در زمان فتح، معمور بوده متعلق به مسلمانان است، آنچه که معلوم است در آن زمان موات بوده به امام تعلق دارد و آنچه که معلوم و معین نیست، محتمل است و معمور بودنش در زمان حاضر واضح ترین دلیل بر معمور بودن آن در زمان فتح است و اصل، عدم معمور بودن است مگر اینکه اثبات شود پس در حال حاضر تسلط بر اخذ خراج از قریه ای جایز نیست مگر زمانی که معلوم شود این قریه در زمان فتح، معمور بوده است، در حالیکه بنابر نظر امام خمینی(ره) فروختن زمین مفتوح آباد جایز نمی باشد، اما مالکیت بر زمینی که در زمان فتح موات بوده و سپس آباد شده را به وجه صحیحی جایز شمرده است. ایشان در توضیح این مطلب به زمان غیبت یا ظهور امام علیه السلام اشاره ای نفرموده اند. محقق کرکی و امام خمینی(ره) معنی و تحقق خراج را همان اجرت زمین و بخشی از مقاسمه زراعت می دانند، در صورتیکه شیخ قطیفی معنی خراج را همان مقاسمه ندانسته و آن را وجه تسمیه و امری رایج در این معنی بر شمرده است. شیخ قطیفی(ره) قائل به این مطلب شده که معنای مشترک در سخنان اصحاب در خصوص احیای موات این است که احیای زمین موات در زمان غیبت، برای سایر مسلمانان جایز و مقتضی ثبوت ید (تصرف)، و محق بودن احیاکننده به آن است و اگر متصرفی بدون اذن امام در آن تصرف کند طسق زمین بر او واجب است و هیچ شک و شبهه و ابهامی در این امر نیست، و در این خصوص همین حد از مطالب کافی و قانع کننده است. با این بیان، امام خمینی(ره) در تعلق داشتن زمین موات بر همه مسلمانان در زمان غیبت دیدگاهی موافق با شیخ قطیفی(ره) داشته افزون برآنکه ایشان احیاء زمین موات توسط کافر را نیز جایز شمرده اند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- افندی، میرزا عبدالله (۱۱۳۰-۱۰۶۶ه.ق) ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. بی جا. بی تا
- البحرانی، یوسف بن احمد. ناشر دار و مکتبه الهلال. بیروت لبنان. ۱۹۹۸
- الحر العاملی، الشیخ محمد بن حسن. (۱۱۰۴ه.ق) امل الأمل فی علماء جبل عامل. موسسه الوفاء. بیروت، لبنان. بی تا
- الطهرانی، آقا بزرگ. الذریعه الی تصانیف الشیعه. ناشر دارالاضواء. سال نشر ۱۴۰۳ (ه.ق)
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۴۶۰ه.ق) امالی. الدراسات الاسلامیه. موسسه البعثه. دارالتفاهمه قم. ۱۴۱۴ه.ق
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۴۶۰ه.ق) تهذیب الاحکام. ناشر دار التعارف للمطبوعات بیروت. لبنان. بی تا
- علامه حلی، ابو منصور الحسن بن یوسف بن علی بن محمد الاسدی (۷۲۶-۶۰۴ه.ق) تحریر الحکام الشریعه علی مذهب الامامیه. تحقیق البهادر، ابراهیم. موسسه آل البيت دار الاحیاء التراث العرب. بی تا



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

- علامه حلی، ابومنصورالحسن بن یوسف بن علی بن محمد الاسدی (۷۲۶-۶۰۴ه.ق) قواعد الاحکام فی الحلال و الحرام. تحقیق نشر الاسلامی. بی تا
- علامه حلی، ابومنصورالحسن بن یوسف بن علی بن محمد الاسدی (۷۲۶-۶۰۴ه.ق). منتهی المطلب فی التحقيق المذهب. ناشر آستانه الرضویه المقدسه. بی تا
- علامه حلی، ابو منصورالحسن بن یوسف بن علی بن محمد الاسدی(۷۲۶-۶۰۴ه.ق) ارشادالاذهان الی احکام الايمان. قم. جامعه مدرسین- ۱۴۱۰ ق
- الفاضل القطیفی، ابراهیم بن سلیمان (۹۵۰ه.ق) فقه الشیعه من القرن الثامن. السراج الوهاج لدفع قاطعه اللجاج. موسسه النشر الاسلامی. ناشر موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه
- کلینی. محمد بن یعقوب. الکافی. دارالکتب الاسلامیه. بی تا
- مجلسی. محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق) بحارالانوار الجامعه لدراخبار الائمه اطهار- بیروت داراحیاء التراث العربی - بی تا
- محقق کرکی. علی بن حسین بن عبدالعالی (۹۴۰ق)، قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج. انتشارات جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم . موسسه نشر السلامی. بی تا
- موسوی الخمینى، سید روح الله. ترجمه تحریر الوسيله. علی اسلامى. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). ۱۳۸۷